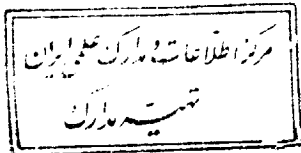


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۲۵۴

۱۳۷۵ / ۴ / ۳۰



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

جایگاه مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی

استاد راهنما:

دکتر فرهنگ رجائی

نگارش:

غلامرضا مهدوی

شهریور ۱۳۷۳

۷۵,۴,۴۰۰۳

۸۲۸۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	پیش مقدمه.....
۴.....	مقدمه و طرح مسأله.....
۴.....	اول - سابقه بحث.....
۶.....	دوم - مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام و اسلامیان.....
۸.....	سوم - مفاهیم اصلی بحث.....
۸.....	چهارم - سازماندهی رساله.....
۱۰.....	منابع.....
۱۲.....	گفتار اول - مشارکت سیاسی.....
۱۲.....	اول - مفهوم مشارکت سیاسی در علوم سیاسی.....
۱۶.....	دوم - مفهوم مشارکت سیاسی در اسلام.....
۲۱.....	سوم - مشروعیت از دید اندیشه سیاسی.....
۲۳.....	چهارم - مشروعیت از دید اسلام.....
۲۵.....	پنجم - مفهوم رأی اکثریت.....

۲۶.....	ششم - مفهوم اکثریت در معارف اسلامی
۲۸.....	منابع
۳۰.....	گفتار دوم - ابعاد مشارکت سیاسی
۳۱.....	اول - انسان در لیبرالیسم
۳۶.....	دوم - مشارکت سیاسی در لیبرالیسم
۴۲.....	سوم - انسان در اسلام
۵۰.....	چهارم - مشارکت سیاسی در اسلام
۶۴.....	منابع
۶۷.....	گفتار سوم - ساز و کارهای مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی
۷۰.....	اول - مشارکت سیاسی در نهادهای رسمی
۸۲.....	دوم - نهادها و ساز و کارهای غیر رسمی
۹۸.....	منابع
۱۰۱.....	کتابشناسی

بنام خدا

پیش مقدمه

این سؤال که آیا در جهان معاصر، اسلام قادر به پاسخگویی نیازهای بشری می باشد سؤال جدیدی نیست. ^{حکیده} اما پاسخ به آن از نظرگاه های مختلف قابل تأمل است. گروهی بر اساس معتقدات مذهبی خود که باید اسلام به عنوان کاملترین دین پاسخگوی همه نیازهای انسان باشد، هرگونه چون و چرائی را در این زمینه ممنوع دانسته و عقیده دارند لازمه انسان مسلمان و معتقد به خداوند این است که در مقابل گفته ها و برنامه های او سر تسلیم فرود آورده و دین را تنها راه چاره زندگی و مشکلات خود دانسته و همه نیازهای خود را از مکتب اسلام تأمین نماید. بدون شک برای ما که مسلمان هستیم و اصول و مبانی آن را پذیرفته ایم این پاسخ قانع کننده است، و در هر موردی که عقل ما نتوانست فلسفه و حکمت احکام دین را درک نماید، توقف می کنیم و با تعبد اقتناع می شویم. اما گروهی، نه چندان کم، در جامعه اسلامی وجود دارند که ضمن ارج نهادن به باورهای دینی، بر آنند که نقاط مبهم را در مسائل دینی کشف نمایند و تا آن جا که ممکن است به اقتناع عقلی دست یابند. برای اینان پرسش از چگونگی تطبیق دین با نیازهای انسان و سازوکارهای پاسخگویی به خواسته او یک سؤال ممنوع نیست، بلکه سرآغازی است بر تحقیق و تبیین نقاط ناشناخته دین. نگارنده بر این باور است که فرهنگ علمی ائمه شیعه (ع) فرهنگی انعطاف پذیر بوده و شاگردان آنان بدون هیچ دغدغه ای هر آنچه بر صفحه ذهنشان می گذشت می پرسیدند و قانع می شدند و کسی را به جرم تحقیق و گره گشایی از مشکلات فکری محکوم به کفر نمی کردند.

- ۱- با ظهور مکاتب مادیگرایی همچون مارکسیسم که دین را روینا و یازتاب روابط تولید و از نظر تائیر اجتماعی افیون توده های داند و نیز تحلیل تمدن صنعتی و سرمایه داری جدید در سکولاریسم که دوران دخالت دین در مسایل زندگی را پایان یافته تلقی می کند همه ادیان و از جمله اسلام در مقابل سؤال فوق قرار دارند.
- ۲- نمونه این مطلب رامی توان در شیوه های علمی امام صادق و سایر ائمه (ع) مشاهده نمود که با مخالفین فکری به بحث می پرداختند تا جایی که آنان را

این سنت نیک باید دوباره زنده شود و اهل فضل و تحقیق بدون واهمه و ترس هر نقطه‌ای را که مبهم می‌بینند با طرح روشن صورت مسئله در پی برطرف نمودن ابهام برآیند و شجاعانه هر نتیجه‌ای که داده اعلام کنند، از به کاربردن کلمات مبهم و قابل تفسیر اجتناب نمایند، جسارت بیان و افشای یافته‌های خود را داشته باشند و جمود و تحجر نسبت به آنچه دست یافته‌اند نداشته باشند و با فرهنگ تکفیر که لازمه فضای آلوده به ترس و جهل جامعه است، مقابله نمایند. ^(۱) به واقع روشن فکر باشند و در پی روشنگری از شمع وجودشان برای شکوفائی استعداد های جامعه بهره بگیرند.

پیام اصلی رساله حاضر در راستای ایفای این رسالت اجتماعی است، و تلاش می‌کند در پاسخ به سؤال پیشین به دور از فضای اجتماعی و فکری نویسنده یکی از مسائل کلیدی در حوزه سیاسی، یعنی مشارکت سیاسی در اسلام را تبیین نماید.

در رابطه با مقوله مشارکت سیاسی در اسلام و یا روشن تر در برداشت حکومت اسلامی، تحقیقات فراوانی به ویژه در دو دهه اخیر صورت گرفته است ^(۲) و در برخی از این تحقیقات سعی شده است نوعی خاص از دموکراسی برای نظام سیاسی اسلام تعریف شود، و با این پیش فرض که دموکراسی یک واقعیت مطلوب در جامعه سیاسی است در پی تبیین جایگاهی برای آن در حکومت اسلامی برآمده‌اند.

در برخی از نوشته‌ها نیز بدون تعریف دقیق از مفاهیم کاربردی مشارکت سیاسی در دو حوزه تفکر غرب و اسلام

به اقتناع عقلی میرساندند.

- ۱- مناسبانه فضای کنونی جامعه ایران تاحدی فضای خود سانسوری است و افرادی که اهل قلم و اهل درد می‌باشند بعضاً از بیان یافته‌های خود واهمه دارند.
- ۲- در این زمینه می‌توان به مقالات شماره‌های ۵-۱ مجله فرهنگ توسعه و نیز کتب ذیل اشاره نمود:
 - محمود سریع‌القلم. عقل و توسعه یافتگی. تهران. انتشارات سفیر، ۱۳۷۲.
 - مصطفی کرواکیان. دموکراسی در نظام ولایت فقیه. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
 - عمید زنجانی. فقه سیاسی. جلد دوم. تهران. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.

تلاش شده است برای مردم نقش سازنده‌ای در حکومت اسلامی تبیین نمایند بدون اینکه تعریف شود نقش سازنده چیست و به عنوان مثال آیا مردم فقط وظیفه دارند اطاعت نمایند یا مخالفت با حکومت و عملکردهای آن نیز می‌تواند از وظائف مردم در شرایط خاص باشد؟^(۱) رساله حاضر بدون این که تلاش‌های عالمانه محققین را در موضوع مورد بحث نادیده بگیرد و یا کوچک شمارده دودلیل معتقد است هنوز جای بحث فراوان در موضوع مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی وجود دارد.

۱- در گفتارها و تحقیقات مدون شده مبانی نظری مشارکت سیاسی در اسلام کمتر مطرح شده است و همه با این فرض صورت گرفته است که باید مردم در حکومت اسلامی دارای نقش باشند و به دنبال این فرض در جستجوی کمیت و کیفیت نقش مردم برآمده‌اند در حالیکه در این رساله سعی شده است ابتداء تئوری مشارکت سیاسی در اسلام تبیین گردد و آنگاه بر مبنای تئوری ارائه شده نظریه نهائی اثبات شود.

۲- برای دست یابی به جایگاه مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام از مطالعه مقایسه‌ای بین دیدگاه اسلام و لیبرالیسم درباره انسان و رفتار او بهره گرفته شده است. در حالیکه در سایر تألیفات و تحقیقات انجام شده پیرامون مشارکت سیاسی در اسلام چنین مقایسه‌ای صورت نگرفته و یا به اشاره از آن گذشته‌اند.

در این جابرخود لازم می‌دانم از اساتید بزرگوار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی خصوصاً آقایان دکتر قوام و دکتر معنوی که مشوق من در تعیین موضوع رساله و آقای دکتر فرهنگ رجائی که سمت استاد راهنما را تقبل نمودند و با وسواس علمی در هدایت رساله به سمت مطلوب مراباری کردند، تشکر نمایم.

۱- منظور اعتراض علیه حکومت اسلامی در شیوه عملکرد و انطباق آن با اسلام می‌باشد.

مقدمه و طرح مسأله

اول : سابقه بحث

یکی از موضوعات بنیادین در اندیشه‌های سیاسی جایگاه مردم در نظام سیاسی است. افلاطون که منشأ تکوین اجتماع سیاسی را نیاز آحاد جامعه به یکدیگر می‌شناسد^۱، جایگاه مردم را در این نظام تلاش مداوم برای رفع نیازمندیهای جامعه میداند. از همین روی عدالت اجتماعی را قرار گرفتن هر چیز در جای خود و هر کس در جایگاه اجتماعی مخصوص بخود میداند^۲. در بینش انداموارگی افلاطون نسبت به جامعه، فیلسوفان باید شه‌ریار باشند و آنانکه از شجاعت و قدرت برخوردارند در جرگه پاسداران و سایر اصناف که هر کدام قدرت برکاری دارند سومین بخش اجتماع سیاسی را تشکیل دهند^۳. افلاطون از این جهت "دموکراسی"^(۱) را برای آتن نمی‌پسندد که مردم را در جایگاه اجتماعی خود قرار نمی‌دهد و در نتیجه نیازهای جامعه تأمین نمیشود.^۴

ارسطو نیز بر این اساس که شالوده اجتماع سیاسی را در جهت کسب فضائل انسانی میداند و نقش دولت را حیانت از این فضیلت‌ها می‌شناسد، جایگاه سیاسی مردم را در این نظام در چارچوب همین هدف تبیین میکند، یعنی دولت را بر فرد مقدم می‌شمارد و جایگاه فرد را در چارچوبه فضائل انسانی تعریف می‌کند و بر این باور است که به هر میزان افراد دارای فضیلت باشند از نقش والاتری در جامعه سیاسی برخوردارند^۵. لاک^(۲) و هابس^(۳) با نگرش متفاوت به طبیعت انسان، هدف اساسی تأسیس جامعه سیاسی را حفاظت از حقوق شهروندان میدانند و در این چارچوب نقش سیاسی مردم را در پذیرش قرار داد اجتماعی و حمایت از دولت جستجو می‌کنند. بنظر هابس مردم باین دلیل که در حال طبیعی همه علیه یکدیگر هستند و هیچ کس حق دیگری را رعایت نمی‌کند ناگزیر در جهت حفظ منافع خود حق سلطه سیاسی را به دولت واگذار می‌نمایند و دولت نیز موظف به حفظ و حمایت از این حقوق است و هیچ عاملی

1-Democracy.

2-John Locke

3-Tomas Habbs

قدرت دولت را محدود نمی‌سازد.^۶ "لاک" با این نگرش که وضع طبیعی انسان وضع کاملاً مطلوبی نیست برای رهایی از این وضعیت و رسیدن به شرایط مطلوب و دفاع از حقوق شهروندان حق سلطه سیاسی را به دولت واگذار میکنند و وظیفه دولت را در چارچوب این قرارداد محافظت از منافع شهروندان میدانند و نقش سیاسی مردم را مراقبت از عملکرد دولت در انجام وظیفه اصلی و شورش و انقلاب علیه دولت در صورتیکه بهر دلیل قادر به تأمین منافع جامعه نباشد می‌شناسد.^۷

با پیشرفت جامعه مدنی، نقش سیاسی مردم در جامعه سیاسی اهمیت بیشتری پیدا میکند و اندیشه سازان سیاست در پی بدست آوردن سازوکارهایی برای مشارکت سیاسی واقعی مردم در حکومت برآوردند. محصول تلاش فکری دانشمندانی همچون "روسو"^(۱) "منتسکیو"^(۲) و استحکام اندیشه‌های لیبرالیستی، ظهور دموکراسیهای لیبرالی در جهان معاصر است. در حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی لیبرالی مردم از نقش فزاینده‌ای در تعیین شکل حکومت، تدوین مقررات و قوانین اجتماعی و انتخاب کارگزاران برخوردارند. به عبارت دیگر هرگونه مداخله مردم در زندگی اجتماعی و سیاسی مبتنی بر حق طبیعی مردم است که در جهان جدید صاحب جامعه سیاسی تلقی می‌شوند. این اندیشه را می‌توان اندیشه سیاسی مبتنی بر حق نامید که بعداً توضیح بیشتر پیرامون آن خواهد آمد.

دوم: مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام و اسلامیان

موضوع نقش مردم در "حکومت" ازدیدگاه اسلام از جمله سرفصل‌هایی است که پیشینه مباحث آن به تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام بازمی‌گردد. راه کارهایی که پیامبر (ص) برای مشارکت مردم در حکومت بوجود آورد و دخالت مستقیم مردم در تصمیم‌گیریهای سیاسی اولین جلوه مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی است.^(۱) در اندیشه شیعی حکومت اسلامی اولین حکومتی که واقعاً با مشارکت مردم پس از پیامبر استقراریافت، خلافت حضرت علی (ع) می باشد، چراکه برای اولین بار پس از ظهور اسلام مردمی که از شهرهای مختلف به مدینه آمده بودند در انتخاب خلیفه و یار رئیس حکومت مشارکت مستقیم داشتند. پس از خلافت حضرت علی (ع) از نظر شیعه حکومت‌هایی که بنام اسلام وجود داشته‌اند دارای مشروعیت نبوده‌اند^۲ و همین انگیزه‌ای بوده است که شیعه برای کسب قدرت سیاسی و بدست گرفتن حکومت "مشارکت سیاسی" را در قالب نهضت‌ها و قیام‌ها و فعالیت‌های نظامی، سیاسی علیه هیئت‌های حاکمه ادامه دهد.^۱ بنابراین شیعه در دو حوزه مختلف یعنی هم در روی کار آوردن حکومت مشروع به مشارکت سیاسی معتقد است و هم در مقابله با حکومت‌های نامشروع مشارکت سیاسی را یک اصل مسلم می‌داند.

در اندیشه‌های سیاسی اسلام معاصر چه در نوشته‌ها و تحقیقات مربوط به اهل سنت^(۲) و چه پژوهش‌هایی که توسط شیعه انجام گرفته است توجه بیشتر به اهمیت مردم در حکومت متأثر از نهضت رفرم در اروپا و ظهور حکومت‌های مشروطه در مغرب زمین می‌باشد. مشارکت مردم در نهضت مشروطه در ایران، یک نمونه عینی نقش مردم

۱- نمونه‌ای از این نوع مشارکت‌ها را میتوان در دعوت مردم مدینه از پیامبر و بیعت با ایشان، همکاری و همفکری مسلمانان با حکومت نوپای اسلام، بیعت با پیامبر پس از هر مسافرت آنحضرت و نیز بیعت در فتح مکه مشاهده شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: جعفر سبحان، فروغ ابدیت ج ۱ و ۲. قلم: نشر دانش اسلامی. ۱۳۶۳.

۲- برای مطالعه مراجعه شود به: سید قطب. عدالت اجتماعی در اسلام. ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، چاپ ۸. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲. و حمید عنایت. سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶.

در استقرار نوع دلخواه از حکومت است.

به نظرمی رسد عامل مهم دیگری که بحث از مشارکت سیاسی رادرسنت اسلامیان رونق بخشیده است تلاش برای دست یابی به توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی است. هدفی که جز در چارچوب مشارکت سیاسی امکان دست یابی به آن ممکن نیست، چراکه توسعه اقتصادی در سیستم هایی قابل دست یابی می باشد که مردم به حکومت و ثبات آن اطمینان داشته باشند و این با مشارکت مردم در حکومت امکان پذیر خواهد بود.

آنچه در این رساله مورد مطالعه و تحقیق است جایگاه "مشارکت سیاسی" در حکومت اسلامی است. بدیهی است هنگامیکه واژه حکومت اسلامی مطرح میشود، مفاهیم دیگری همچون، خلافت اسلامی، امامت، ولایت فقیه به ذهن تداعی میشود که لازم است بیان گردد منظور از "حکومت اسلامی" برداشت شیعی حکومت اسلامی است که در هر زمانی ممکن است شکل خاصی از حکومت را داشته باشد.^(۱) و مقصود از "جایگاه مشارکت سیاسی" تبیین نقش مشارکت سیاسی مردم در حکومت اسلامی است. در بررسی موضوع فوق دو فرضیه مشخص مبنای پرداختن به سؤال اصلی شده است که عبارتند از:

۱- مشروعیت نظام سیاسی اسلام و اقدام به تشکیل آن در همه زمانها حتی در دوران غیبت امام معصوم امری است که صورت خاص مشروعیت دینی دارد. این نوع مشروعیت در گفتار اول توضیح داده خواهد شد.

۲- مشارکت سیاسی مردم در حکومت اسلامی یکی از پایه های مشروعیت حکومت را تشکیل میدهد.

پیرامون فرضیه اول این توضیح ضروری است که متفکرین و دانشمندان و فقهاء شیعه متفق القولند که در هر زمانی که امکان تشکیل حکومت اسلامی باشد و چنین حکومتی تحقق پیدا کند، از مشروعیت دینی برخوردار است و همکاری با آن لازم و ضروری است. آنچه ممکن است مورد تردید قرار گیرد تحقق چنین حکومتی در بعضی از زمانها مثل

۱- پیرامون شکل حکومت در اسلام مراجعه شود به: عمید زنجانی، فقه سیاسی جلد دوم تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۶.

دوران عدم حضور امام معصوم می باشد. برخی از دانشمندان^{۱۱} شیعه با استناد به بعضی از روایات^{۱۲} معتقدند در دوران غیبت امام معصوم هرگونه اقدام برای تشکیل حکومت غیر مشروع است.

از نظر اکثریت شیعیان و به ویژه متفکران صاحب نظر این مکتب، این دیدگاه بطور مبسوط و مستدل مردود شمرده شده است^(۱) و یاد و مقدمه غیر قابل انکار یعنی عدم محدودیت احکام و مقررات اسلام به دوره حضور معصوم و اجرائشدهن احکام فردی و اجتماعی اسلام بدون داشتن حکومت و نیز به دلیل قضاوت عقل سلیم به این که جامعه بدون حکومت امکان حیات ندارد، اصل مشروعیت قیام برای ایجاد حکومت اسلامی ثابت است. از طرفی از آنجا که حکومت اسلامی بدون تلاش مردم و مشارکت اکثریت آنان امکان تحقق و تداوم ندارد، پس مسأله مشارکت سیاسی به عنوان یکی از پایه های مشروعیت نظام مطرح خواهد بود.

سوم: مفاهیم اصلی بحث.

بدین ترتیب مفاهیم اصلی بحث که طبیعتاً آنها را تبیین خواهیم نمود عبارتند از:

۱- مشارکت سیاسی. (political participation)

۲- مشروعیت سلطه سیاسی. (Legitimacy)

۳- اکثریت. (Majority)

چهارم: سازماندهی رساله

۱- برای نمونه کتابهای ذیل این دیدگاه را به تفصیل مورد نقد قرار داده اند:

- امام خمینی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی

- آیه الله منتظری، مبانی فقهی ولایت فقیه، جلد اول. تهران: انتشارات کیهان. ۱۳۶۷.

- عمید زنجانی، فقه سیاسی جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۶.

برای دست یابی به پاسخ سئوال اصلی و بر حسب اولویت هایی که در مباحث ارائه خواهد شد این رساله از سه

بخش به هم پیوسته ترتیب یافته است .

در بخش اول تبیین خواهد کرد که مشارکت سیاسی و به تبع آن مشروعیت و آراء عمومی چیست و چگونه

تفہیم می گردد؟

در بخش دوم سعی خواهد شد مبانی نظری، مشارکت سیاسی و هر آنچه مشارکت سیاسی را تحقق می بخشد

از نظر لیبرالیسم و اسلام توضیح داده شود. و در بخش سوم سازوکارها و نهادهایی که مشارکت سیاسی در حکومت

اسلامی را امکان پذیر می سازد مورد بحث قرار می گیرد. ضمناً کوشش میشود به اشکالاتی که در این زمینه ممکن است

مطرح گردد پاسخ داده شود.

- ۱- مایکل ب، فاستر. خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی. (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. چاپ اول ۱۳۵۸)، جلد اول، بخش اول. ص ۷۲.
- ۲- همان، ص ۱۲۰.
- ۳- همان، ۱۴۷.
- ۴- همان ۱۲۸-۱۲۹.
- ۵- ارسطو. سیاست، ترجمه دکتر حمید عنایت. (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۴). ص ۱۰۸.
- ۶- مایکل ب، فاستر. خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی. (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. چاپ اول ۱۳۵۸)، جلد دوم، قسمت اول. ص ۱۵۲.
- ۷- همان. ص ۲۲۳.
- ۸- عباسعلی، عمیدزنجانی. فقه سیاسی. (تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶) جلد دوم، ص ۲۰۰.
- ۹- همان، ص ۱۸۹.
- ۱۰- آیه الله منتظری. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر: محمود صلواتی (تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۷). جلد اول، ص ۳۳۷.
- ۱۱- دراین زمینه مراجعه شود به: عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی. (تهران، انتشارات امیرکبیر. چاپ اول ۱۳۶۶) جلد دوم، ص ۱۹۱.

۱۲- این روایات در کتاب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی و مستدرک الوسائل محدث نوری کتاب الجهاد آمده است. مراجعه شود به: همان: ص ۱۹۵-۱۹۱، و آیه الله منتظری. مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه و تقریر محمود صلواتی (تهران: انتشارات کیهان. چاپ اول. زمستان ۱۳۶۷). جلد اول، فصل چهارم، ص

۳۳۳-۳۹۷.

گفتار اول: مشارکت سیاسی^(۱)

اول: مفهوم مشارکت سیاسی در علوم سیاسی جاری

اصطلاح مشارکت سیاسی از جمله مقولاتی است که همزمان با تحولات علمی و صنعتی در اروپا و اهمیت یافتن بیشتر نقش مردم در این تحولات، وارد علم سیاست شده است و با مباحث "توسعه"^(۲) همراه گردیده است. اما مفهوم "مشارکت سیاسی" در اندیشه‌های سیاسی قدمتی به بنیان اجتماعات بشری دارد. در تمام مکاتب و مرامنامه‌های سیاسی، اجتماعی جایگاهی برای تجزیه و تحلیل همکاری انسان‌ها در شکل‌گیری جامعه سیاسی وجود دارد.

این نکته که موطن اصلی اندیشه‌های سیاسی و متعلقات آن یونان باستان است چندان با واقعیات تاریخ هماهنگ نیست^۱. پیامبران الهی که اولین بنیانگذاران تمدن امروزی بوده و همگی بدون استثنای شرق ظهور نموده اند پایه گذاران اصلی روابط سالم جوامع بشری می‌باشند و بدون تردید مفاهیم سیاسی برای اولین بار در مذاهبی که آنان ارائه داده‌اند شکل یافته است. نگاهی به کتب عهد عتیق و نیز قرآن ثابت می‌کند که تکوین جامعه سیاسی و تکامل آن ملهم از "وحی" و تعالیم الهی است. بنابراین مفهوم مشارکت سیاسی بعنوان یکی از مفاهیم سیاسی منحصرأره آورده اندیشه سیاسی غرب نمی باشد بلکه سابقه آن در مشرق زمین و در تعالیم انبیاء بیشتر مشهود است.^۲

برای درک بهتر مفهوم مشارکت سیاسی و مطالعه جامع آن باید به دو نکته مهم توجه داشت:

اولاً گاهی مشارکت سیاسی بعنوان مکانیزمی در روابط بین الملل مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در این صورت مشارکت سیاسی را باید در تعامل کشورهای یکدیگر جستجو نمود. در این دیدگاه مشارکت سیاسی عبارت است از: "همکاریهای سیاسی منطقه‌ای و بین المللی کشورها که مکانیزم‌های این همکاری را، ماهیت روابط بین الملل و منافع

1-Political participation.

2-Development.

ملی کشورها تعیین می نماید".^(۱)

سازمانهای بین المللی، پیمانهای منطقه‌ای و قراردادهای بین المللی راه کارهایی برای اعمال چنین مشارکت سیاسی می باشد.

ثانیاً ممکن است مشارکت سیاسی در چارچوب تعامل مردم با حکومت مورد توجه قرار گیرد، در این هنگام سازوکارهای مشارکت سیاسی در انتخابات، احزاب سیاسی، تظاهرات و راهپیمائیها، خودگردانی‌های محلی، تکوین گروه‌های ذینفع^(۲) ظهور پیدا میکنند، و از مشارکت سیاسی در جهات ثبات حکومت یا تزلزل و سرنگونی آن، توسعه اقتصادی و یا کسب منافع ملی استفاده میشود. مشارکت سیاسی بدین معنای مستلزم آگاهی شهروندان نسبت به مصالح فردی و اجتماعی خود، توانائی سیستم سیاسی در جذب فعالیت‌ها غیر رسمی و رسمی شهروندان و مشروعیت سیستم سیاسی در نظر شهروندان در مشارکت‌های قانونی و نامشروع بودن حکومت در مشارکت‌های سیاسی غیر قانونی میباشد.

اهمیت چنین مشارکتی را میتوان در فرایندهایی که ذیلاً به آنها اشاره میشود جستجو نمود:

۱ - استواری و ثبات جامعه سیاسی :

"استواری هر جامعه سیاسی به رابطه سطح اشتراک سیاسی با سطح نهادمندی سیاسی آن بستگی دارد. سطح نهادمندی سیاسی در جامعه‌ی دارای سطح پایین اشتراک سیاسی باید بسیار پایین‌تر از آن جامعه‌ای باشد که دارای سطح

۱- در این زمینه مراجعه شود به : عبدالعلی قوام . اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل . تهران : انتشارات سمت . ۱۳۷۰ و ریموند کوهن ، قواعد بازی در سیاست بین الملل، مترجم مصطفی شیشه زاده . تهران سازمان چاپ و انتشارات . ۱۳۷۰ .

۲ - نوسازی سیاسی :

به نظر محقق و تئوری پرداز سیاسی آمریکا "سموئیل هانتینگتون":

"نوسازی سیاسی به عقلانی شدن اقتدار، تمایز ساختارها و گسترش اشتراک سیاسی نیازمندا است"^۴.

۳ - توسعه اقتصادی :

بدون شک توسعه اقتصادی یکی از آرمانهای مطلوب حاکم بر منافع ملی کشورهاست. هر چند برای رسیدن به توسعه اقتصادی راه کارهای مختلفی ارائه شده است، لیکن همه راههای توسعه اقتصادی در چهارچوب مشارکت سیاسی قابل دست یابی می باشد.

رژیم های حاکم در ممالک توسعه نیافته، به تنهایی قادر به هدایت یک تحول آرام، قانونمند و کم هزینه در جامعه نیستند. مسائل و معضلات کشورهای جنوب به درجه ای از پیچیدگی، وخامت و یغرنجی رسیده است که بدون یاری و مساعدت کلیه نیروهای ملی و میهنی و همکاری منطقه ای میسر نیست.

۴ - حفظ دموکراسی :

گرچه دموکراسی مستلزم مشارکت سیاسی است اما رشد بورکراسی و تمرکز قدرت اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته موجب متزلزل شدن دموکراسی در این کشورها شده است. طبیعی است که در جهت حفظ سنت دموکراسی در کشورهای توسعه یافته باید دامنه مشارکت سیاسی را گسترش داد.

"رواج مفهوم مشارکت در دو دهه اخیر از آنجاست که، به نظر منتقدان، بزرگی و پیچیدگی جامعه توده ای جدید و رشد بورکراسی و تمرکز اقتصادی پایه های ضمانتهای سنتی دموکراسی و نظام پارلمانی را برای حفظ حقوق افراد، سست کرده و این ضمانتهای باید تقویت گردد. ضرورت این امر از آنجاست که سرنوشت افراد در دست های نامرئی

اداری، سیاسی، اقتصادی افتاده است که افراد از چند و چون تصمیم گیری‌های آنها بر زندگی‌شان بی‌خبرند، سازمانها و نهادهاى سنتى دموکراسى نیز اغلب بازىچه دست این قدرتهاى نامرئى هستند. از اینرو تنها مشارکت مستقیم افراد در تصمیم گیریهایی که بنام دولت مقامات محلی یا دستگاههای بزرگ و غیرشخصی اقتصادی گرفته میشود می تواند حقوق و آزادیهای آنان را از گزند کارها و تصمیم‌های گروه‌های کوچک و دور از دسترس در امان دارد.^۵

از مجموع تعاریفی که برای مشارکت سیاسی به عمل آمده است می توان به تعریف ذیل دست یافت.

"مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل

بکارگیری روش‌های مشروع و یا نامشروع برای تاثیر بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب

رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی می باشد."^۶

ویدین شکل مشارکت فرایندی است از عوامل ذیل:

(الف) - مشارکت یک عمل است action

(ب) - مشارکت عمل داوطلبانه است. Voluntary

(پ) - مشارکت با انتخاب همراه است. choice

همانطور که اشاره شد، مشارکت مقوله‌ای همیشگی بوده است اما صورت امروزی آن بر اندیشه‌ای از انسان

بنیاد شده که توسط متفکران عصر نوزائی (رنسانس) مطرح گردیده است. در پیش پس از عصر نوزائی انسان

خود را صاحب و خداوند همه چیز می داند و باور دارد که خود قادر است جامعه سیاسی و آمریت سیاسی را خلق

کند. او خود حق ایجاد دولت دارد و بر همین اساس مشارکت سیاسی در این بینش مبتنی بر حقی است که انسان برای

خود باور دارد. تبیین این دیدگاه به گونه‌ای مبسوط در گفتار دوم خواهد آمد.

دوم: مفهوم مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و اسلامیان

پیش از آنکه به مطالعه مفهوم مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام به پردازیم، لازم است به شیوه قرآن در مفهوم

سازی که نقش اساسی در جهت دست یا بی به مفاهیم خاص این مکتب ایفاء میکند، اشاره شود.

قرآن، به دلیل این که کتابی آسمانی برای زندگی انسان است، در جهت هدایت انسان به "حیات معقول" (۱) از

مفاهیمی بهره گرفته است که دارای ویژگیهای ذیل میباشد:

اولاً مفاهیم به کار گرفته شده، در قرآن از نظر کاربرد کلی است و از نظر انطباق انعطاف پذیر است و منحصر به

موارد خاص نمی باشد. بعنوان مثال در قرآن برای رژیم های خودکامه از واژه "طاغوت" (۲) استفاده شده است. مفهوم

"طاغوت" یک مفهوم کلی است که نه تنها منطبق بر رژیم های خودکامه میباشد بلکه شامل هر قدرت فردی و جمعی

میشود که از حد اعتدال خارج میگردد و فراتر از حوزه وظائف و جایگاه خود گسترش پیدا میکند. فایده مهم چنین

مفاهیمی این است که هر چند در بستر زمان با تحول و تکامل مفاهیم روبرو شویم ولی مفاهیمی که قرآن ساخته است

از تکامل زمان عقب نمی ماند و خاصیت انطباق پذیری بر مفاهیم جدید دارد و نیاز به تغییر در مفاهیم کلی نیست.

امروز ما میتوانیم واژه "طاغوت" را در باره امپریالیسم (۳) استعمار (۴) توتالیتیر

"سلطنت استبدادی" (۵) فاشیسم (۶) نازیسم (۷) جمهوری مادام العمر "بکارگیرییم بدون اینکه از نظر انطباق بر این

عناوین دچار مشکل باشیم.

۱- اصطلاح حیات معقول از اصطلاحات جدیدی است که بیشتر در نوشته های محققین معاصر اسلامی و به ویژه در تبیین فلسفه اسلامی مطرح شده است و

منظور، زندگی اخلاقی و انسانی و در عین حال متکی بر عقل می باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: محمد تقی جعفری، حکمت اصول سیاسی

اسلامی. تهران. انتشارات بنیاد نهج البلاغه. ۱۳۰۹.

۲- طاغوت یعنی طغیانگر و هر آنچه از حد و اندازه خود بیرون شود.

3-Emperialism.

4-Coloneial.

5-Dictatoreian Monarshy

6-Fachism.

7-Nazism.